

اشاره

جلسه گذشته از جواز و عدم جواز استخدام فناوری زیستی و زیست‌فناوری در حوزه حیات و موجودات زنده بحث شد. بعد از ذکر پاره‌ای مقدمات به نمونه‌ای از پرسش‌ها و مسائلی که قابل طرح و بحث در این زمینه هستند نیز اشاره و گفته شد که باید با منطق مناسبی تفریع فروع بحث را سامان داد. بر اساس روش‌شناسی که برای تفریع فروع و تنسيق مسائل بیان شد تبعاً نخست از جواز اباحه یا حرمت علی الإطلاق یا اباحه یا حرمت در قیود و شروط و ظروف خاص سخن گفت.

«بررسی ادله جواز یا عدم جواز اصل استخدام قوانین زیست‌فناورانه از لحاظ حکم اولی»

اولین مسئله‌ای که می‌توان مطرح کرد آن است که آیا اصل استخدام قوانین و قواعد کشف‌شده و حاکم بر عرصه حیات و فرآیند زیست‌زیست‌وران و موجودات زنده مباح است یا نه. این نخستین پرسشی است که باید در بحث فقهی در زمینه فقه زیست‌فناوری پاسخ پیدا کند.

اگر جواز فرآیندهای زیست‌فناورانه فی الجمله اثبات شد نوبت به این پرسش می‌رسد که آیا می‌توان جواز مطلق را نیز اثبات کرد و در صورت عدم امکان آیا شروط و قیود و ظروفی که تحدیدکننده برای جواز و اباحه است چیست و در نتیجه آن‌ها را یک‌به‌یک در قالب مسائل بعدی به بحث و بررسی بگذاریم. مفروض آن است که جواز زیست‌فناوری و استخدام قوانین حاکم بر حیات مجاز و مباح است و بر این موضوع می‌توانیم حسب روند عملیة الإستنباط و فرآیندهای اجتهاد به کتاب، سنت، عقل و در فرض وجود اجماع به آن استدلال کنیم.

قرآن

پاره‌ای از آیات بر جواز اجمالی زیست‌فناوری دلالت دارد؛ مانند آیاتی که تصرفات غیرعادی و فرآیندهای غیرمتعارف و غیرطور مألوف و مأنوس در زمینه فعل و انفعالات حیاتی و تکوین و تکون موجودات زنده در قرآن کریم مطرح می‌شود که به مثابه إعجاز و دلیل نبوت و رسالت انبیاء و پیامبران الهی قلمداد می‌شود. این آیات می‌تواند دلیل آن باشد که فرآیندهای غیر متعارف و فنون غیرمأنوس ممنوع نیست. وقتی پاره‌ای از افعالی را که از قِبَل حق تعالی از انبیاء خواسته می‌شود که حضرات آن فرآیندها و فعالیت‌های مؤثر بر

حیات جنبندگان و جانوران را به مثابه اعجاز ادعای نبوت اعمال کنند، این [فرایندها و فعالیت‌ها] می‌تواند بر جواز تصرفات و تعدیلات تکنولوژیک زیستی و حیوی دلالت کند.

آیه ۴۹ سوره آل عمران:

وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ

از جمله فرایندهایی که از انبیاء خواسته می‌شود ماجرای حضرت عیسی (س) است. آن بزرگوار فرمودند من هیئت طیر را از گل می‌سازم و در آن می‌دمم و به اذن الله پرنده می‌شود. حضرت عیسی (س) این معجزه را در قبال منکران برای اثبات نبوت خویش مورد تمسک قرار می‌دهد. در ادامه آیه از لسان حضرت مسیح (س) دیگر اعجازها از جنس اعجازهای طبی یا علم به غیب را هم ذکر می‌کند «وَأُبرئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَنْبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ».

در قرآن کریم همه این معجزات را آن بزرگوار به عنوان یک سلسله معجزاتی که دال بر نبوت خویش است ذکر می‌فرماید.

شیوه استدلال

ممکن است این‌گونه استدلال کرد که وقتی خدای متعال این روند و فرآیند متفاوت از طور و طرز معمول و مانوس را به مثابه دلیل رسالت پیامبر خود نقل می‌فرماید همچنین اعمال حضرت عیسی بن مریم را به مثابه یک عمل موفق نقل می‌فرماید، اگر طی فرآیندهای زیست‌ورانه، نظیر این أطوار غیرمتعارف [اعجازی انبیا علیهم السلام] باشد و از جمله مصادیق آن بوده و مذموم و منهی علی الإطلاق بود! و فرایندهای زیست فناوری را مذموم تلقی کنیم، صحیح نبود قرآن کریم برهم‌زدن آن طورهای عادی و کاربست طورهای غیرعادی را ممدوح قلمداد کند؛ فضلاً اینکه آن را دلیل بر نبوت اعلام کند.

به نظر می‌رسد اثبات نبوت که یک امر قدسی است و اثبات این شأن برای اولیاء الهی نمی‌تواند با تمسک و یا با کاربست افعال و اعمال و أطوار غیر مباح صورت بپذیرد و قهراً مباح است؛ در نتیجه می‌توان به این مقدار اثبات کرد که صرف نقل اینکه پیامبر بزرگوار و اولوالعزمی چنان عیسی بن مریم (سلام الله علیه) با اعمال شیوه‌ها و روش‌های غیرمتعارف در حوزه زیست و حیات جنبندگان نبوت خویش را اثبات می‌کند، این دلالت دارد بر اینکه در هر صورت طی سیر و مسیر غیرمتعارف در عالم زیست مباح است.

یادآوری می‌گردد در صدد آن نیستیم که بگوییم آن‌چه که به دست مبارک پیامبر خدا واقع شده از نوع زیست فناوری است؛ نخیر! بلکه می‌خواهیم این مقدار از آیه استفاده کنیم که به هر حال اعمال أطوار غیرمتعارف در عرصه حیات و زندگی زیست‌وران و جنبندگان محذور و مذموم نیست؛ می‌خواهیم از این [ماجرای قرآنی] جواز اجمالی اعمال أطوار غیرمتعارف و استخدام قوانین حیات را استفاده کنیم. البته این آیه از جهت دیگری به یک نکته دیگر نیز دلالت دارد و آن این است که به رغم آن‌که حضرت عیسی (س) عامل ارادی طی فرآیند پیدایش موجود زنده است اما فعل به اذن الله صورت پذیرفته و در حقیقت علیت حقیقیه منسوب به خود باری تعالی است یعنی همین آیه وقتی این عمل را به اذن الله مقید می‌کند به این معنا است که حضرت عیسی (س) علت حقیقیه و اصلیه این پدیده نیست بلکه این اذن الهی و اراده و مشیت الهیه است که به دست حضرت مسیح اتفاق می‌افتد. این رخداد، معلولی است که علت حقیقیه آن حق تعالی است.

آیه ۲۶۰ سوره بقره:

«إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَةَ قَالَ أُولَمْ تُؤْمِنُ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِنْ لِّيَطْمَئِنَّ قُلُوبِي قَالَ فَخَذْنَا مِنْهُ الطَّيْرَ فَصَرَّهِنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ جَعَلْنَا عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»

داستان حضرت ابراهیم (علی نبینا و آله علیه السلام) است در مسئله احیای طیور اربعه علی نمۀ غیر عادی؛ زنده کردن غیرمتعارف پرندگان چهارگانه به امر الهی؛ آن گاه که ابراهیم به محضر الهی عرض کرد که بار پروردگارا! به من نشان بده که چگونه مُرده زنده می‌کنی و مگر ممکن است مرده زنده شود و اگر ممکن است چگونه است. پاسخ می‌شنود مگر به احیاء کردن مردگان توسط ما ایمان نداری؟! عرض کرد باور دارم ولیکن می‌خواهم دلم آرام شود؛ می‌خواهم علاوه بر بالحدس، روند احیاء را ببینم و شهود کنم. خدای متعال دستور می‌دهد جان چهار پرنده را بگیر و تجزیه و پراکنده کن و در چهار نقطه از کوه قطعات آنها را قرار بده و بعد آن‌ها را فرباخوان. خواهی دید که آن‌ها زنده می‌شوند و با شتابی خاص به سمت تو می‌آیند و از آن می‌فهمی که خدای متعال عزیز و حکیم است؛ خدای متعال هم قاهر و قادر است و هم قدرت و قهاریتش مبتنی بر حکمت است.

شیوه استدلال

اگر احیاء جانوران و زیست‌وران با فرآیند و شیوه مألوف و آشنا - که پرنده از رهگذر تخمی که پرنده ماده قرار می‌دهد و سیر و مسیری طی می‌شود و نهایتاً تخم پرنده جوجه می‌شود - انجام نگیرد بلکه با فرآیند دیگری غیر از فرآیند معمول انجام شود - به این شکل که شرایط پیدایش جوجه را در داخل تخم پرنده ایجاد کنیم و با فرآوری سلول بنیادین پرنده‌ای به وجود بیاید - سوال می‌شود که آیا این مجاز است یا خیر؟ در ماجرای حضرت ابراهیم (س) به هر حال پرندگانی با طی فرآیندی غیرفرآیند متعارف و با سپری شدن طوری غیر از طور مألوف و مأنوس زنده می‌شوند. اگر بنا بود که احیاء بر اساس طور غیر عادی، مذموم و محذور باشد خدای متعال این درخواست حضرت ابراهیم (س) را اجابت نمی‌فرمود اما اجابت شد.

دوباره تأکید می‌کنیم ما نمی‌خواهیم بگوییم فعل حضرت ابراهیم (س) یک عمل زیست‌فناورانه بود ولیکن می‌خواهیم بگوییم زنده شدن پرندگان به صورت غیرمتعارف با استفاده از سیر و مسیر غیر عادی مجاز است. پیشتر گفته شد و در ذیل آیه قبل بحث شد که طی این فرآیند مانند فرآیند متعارفی که مألوف و مأنوس است همگی بدون تفاوتی تحت اراده و مشیت تکوینیه الهیه و با علیّت حقیقیه حضرت باری صورت می‌بندد و حضرت ابراهیم و حضرت عیسی (سلام الله علیهم) تنها نقش مُعدّ و عامل تحت مشیت الهیه را ایفاء می‌کنند و در نتیجه علت واقعی، حق تعالی است. به هر حال در تمام أطر و انواع پیدایش موجودات زنده این حقیقت جاری است که علت حقیقی حق تعالی است.

در هر صورت به نظر می‌رسد از این آیه استفاده می‌شود که خروج از طور متعارف و مألوف در مسائل مربوط به زیست ممنوع و مذموم نیست و اشکالی ندارد.

آیه ۸ سوره نحل:

وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

مورد دیگری که می‌تواند دلالت بر جواز طی طریق و طور متفاوت برای پدیدآوردن جانور و حیوان و موجودی زنده دلالت کند جایی است که قرآن کریم از موجود زنده‌ای نام می‌برد که با فرآیند متفاوت و غیر عادی به وجود آمده است؛ حیوان و جانوری با تناکح دو نوع حیوان متفاوت. قرآن موضوع «قاطر» را به عنوان یک حیوان که از تناکح اسب و الاغ پدید می‌آید بدون اینکه نسبت به این اتفاق واکنش منفی داشته باشد قاطر را کنار خیل و اسبان و دراز گوش به عنوان یکی از حیوانات ذکر می‌کند؛ یعنی نه تنها تقبیح نمی‌کند

بلکه این استیلاد بغال به شیوه تناکح دو نوع حیوان متفاوت (اسب و الاغ) را عادی و این خلقت را منسوب به خویش می‌کند. تناکح دو نوع از حیوان و پدیدآوردن نوع سومی که متفاوت با نوع اول و دوم است و به اصطلاح این حیوان جدید با ابوان (پدر و مادرش) خود متفاوت است این نوعی تأیید این تصرف است؛ یعنی خدای متعال می‌فرماید انسان‌هایی این تجربه را کرده‌اند که از طریق تراوج و تناکح اسب و الاغ یک نوع سومی را به صحنه حیات آوردند و این هیچ اشکالی ندارد. این مقدار می‌تواند فی الجمله فعالیت‌هایی که امروزه از طریق زیست‌فناوری اتفاق بیفتد دلالت بر جواز کند.

در گذشته چنان‌که قرآن ذکر کرده است قاطر با تناکح دو نوع از چهارپایان پدید آمده است و امروز موجودی به نام «لایگر» از تناکح شیر نر و ببر یا پلنگ ماده به وجود می‌آید. بعضی قائلند این اشکال دارد؛ ولی به نظر می‌رسد بین استری که از پدر و مادری متفاوت متولد می‌شود و مورد تأیید قرآن است با موجود دیگری که به لایگر معروف است - و به تعبیر عرب ها لایجر نام گذاری شده است که از شیر و پلنگ یا ببر به وجود آمده است - چه تفاوتی باشد؟ چرا آن [قاطر] مجاز است و صریحاً در قرآن کریم مورد تأیید خداوند متعال است و این [لایگر] مورد تأیید نباشد! پس بنابراین اجمالاً ممکن است این‌گونه از آیه استفاده کرد.

نکات بسیار دقیقی در این آیه کوتاه وجود دارد مانند سواری گرفتن و زینت و زیبایی. قاطر از پدر و مادری از جنس خودش پدید نیامده است ولی خدای متعال می‌فرماید که ما این‌ها را خلق کردیم تا سوار آنها شوید؛ آن‌ها مرکب شما هستند و برای رکوب شما خلق کردیم؛ آن‌ها زینت و زیبایی هستند. و باز هم [قرآن] تأکید می‌فرماید که خدای متعال چیزهای دیگری را هم خلق می‌کند و شما نمی‌دانید. ممکن است اشاره به آن باشد که: چیزهایی را خلق کرده است که شما آن‌ها را نمی‌شناسید. مثلاً مردم منطقه خاورمیانه، جزیره العرب و شرق با حیواناتی آشنا هستند که آن را مخلوق الهی می‌دانند ولی در غرب عالم حیواناتی هست که این [حیوانات را] در آن روزگار ندیده‌اند. یا به این معنا است که ما مخلوقات دیگری از این قسم داریم و شما این‌جا با اسب و استر و حمیر آشنا هستید و در قسمت دیگر عالم ما مرکب‌های دیگری خلق کردیم. یا به این معنا است که بعد از این هنوز خواهیم آفرید و آفرینش متوقف نشده است (چیزهایی که شما نمی‌دانید) یعنی احتمال دارد که با طی فرآیندهای زیست‌فناورانه جانوران و زیست‌وران جدیدی به وجود خواهد آمد که آن‌ها نیز مخلوق الهی قلمداد می‌شوند. «وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ» عطف به آیات قبلی است و در آیات قبلی آمده است «وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دَفٌّ وَمَنَافِعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِالْغَيْهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَّءُوفٌ رَّحِيمٌ»؛ «وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ» عطف به «وَالْأَنْعَامَ» است که در آیات قبلی آمده است. آیه مورد استشهاد ما نیز آیه ۸ است.

نکته: عمل تهجین (به وجود آوردن) جانوران و زیست‌وران و حیوانات دو وراثتی و دو ژنی که یک نوع فعالیت ژنتیکی قلمداد می‌شود در پذیرش بلکه مدح خدای متعال قرار گرفته است و آن را به عمل خود نسبت می‌دهد. این هم آیه دیگر و پدیده دیگری است که می‌توان برای اثبات جواز اجمالی به آن تمسک کرد.

بعضی از آیاتی که اصل پژوهش و دانش‌ورزی در زمینه زیست‌فناوری و کشف قوانین حاکم بر حیات و زندگی جنبندگان و جانوران را مورد تشویق قرار می‌دهد مورد تمسک قرار گرفت. بعضی از آیات و بعضی از مصادیق مذکور در آیاتی که دالّ بر جواز پژوهش و دانش‌ورزی است می‌تواند دالّ بر جواز استخدام نیز باشد چراکه دانش‌ورزی در بعضی از موارد و مصادیق مستلزم استخدام تجربی قوانینی است که حدس می‌زنیم زیرا وقتی کار علمی و پژوهشی ممکن [وقوعی] باشد گاهی کار علمی و پژوهشی انجام دادن مستلزم استخدام همان قوانین و تجربه کردن آن‌ها است و تبعاً تصرف در موجودات زنده اتفاق می‌افتد و این به آن معنا است که قرآن کریم به صورت ضمنی بر جواز اصل اعمال فرآیندهای زیست‌فناورانه و استخدام قوانین قابل کشف نیز حکم فرموده است.

این‌ها نمونه‌هایی از آیاتی است که به نظر ما ممکن است به آن‌ها برای اثبات جواز اجمالی زیست‌فناوری تمسک کرد.
و صلَّ الله علی محمد و آله الطَّیِّبین الطَّاهَرین.